

بررسی قضاوت مهدوی در عصر ظهور از منظر روایات

محمد غلامی^۱

چکیده

گردآوری روایات در مورد مهدویت همیشه مورد توجه بوده است. احادیث قضاوت حضرت مهدی علیه السلام و بررسی قاضیان عصر ظهور نیز از این قاعده خارج نیست. با توجه به آموزه‌های دینی در پرتو دولت مهدوی، یکی از آرزوهای دیرینه بشر، یعنی اجرای عدالت، محقق می‌شود. در سیستم قضایی عدالت محور مهدوی، کسی نمی‌تواند از قانون فرار کند. اما در قضاوت‌های معمول فعلی، امکان خطا وجود دارد. به نظر می‌رسد بین نظام‌های سیاسی پیش از ظهور و نظام مهدوی تفاوت‌هایی وجود داشته باشد.

در این نوشتار، با استفاده از روایات، ویژگی‌های قضاوت مهدوی و قاضیان عصر ظهور استخراج شده تا صحت و سقم آن بررسی شود. این مقاله نیل به چنین هدفی را با روش توصیفی-تحلیلی دنبال می‌کند. از نتایج این نوشتار، تبیین ویژگی‌های قضایی در دولت مهدوی، مانند «نظام قضایی شایسته سالار»، «قضاوت بدون شاهد» و «توسعه اطلاعات در دولت مهدوی» است. برای این مهم در آن روزگار، حضرت مهدی علیه السلام از افرادی چون حضرت عیسی علیه السلام و صالحان استفاده می‌کند.

واژگان کلیدی: مهدویت، روایات، عدالت، ظهور، قضاوت مهدوی.

مهم‌ترین منبع مباحث و معارف مهدوی، کلام معصومان علیهم‌السلام است که با مراجعه به آن‌ها می‌توان فهم و برداشت صحیحی از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام داشت. یکی از اموری که در دوران پس‌از ظهور و حضور امام علیه‌السلام مطرح است، مجازات افرادی است که در آن جامعه جهانی، به جنایت (در انواع آن) دست می‌زنند. بنابراین، محاکمه و دادرسی آنان، امری حتمی است؛ چرا که اجرای حدود الهی، یکی از واجبات مهم به‌شمار می‌رود. هر زمامدار و مدیری نیز پیوسته در معرض قضاوت و داوری و فرمان دادن است. پس ناچار باید آداب قضاوت را رعایت کند. برای این مهم در آن روزگار، از افرادی استفاده می‌شود که بر مبانی اسلامی و فقهی مسلط باشند و از نظر پیشینه، کم‌ترین ایراد و اشکالی بر آنان وارد نباشد. در واقع، یکی از آرزوهای دیرینه بشر، اجرای عدالت و وجود امنیت است که بشر همیشه به دنبال آن بوده و تاکنون به اجرای آن به طور کامل موفق نشده است. این آرزو با توجه به آموزه‌های دینی در پرتو دولت مهدوی برآورده می‌شود. یکی از ویژگی‌های دولت مهدوی، ایجاد سیستم قضایی شایسته و عدالت محور است. در قضاوت‌های معمول، برای اثبات جرم یا حق، به بینه و شاهد احتیاج است که البته در برخی موارد، امکان فرار مجرم از مجازات وجود دارد؛ اما در سیستم قضایی مهدوی که بر اساس علم امام و دلایل یقینی حکم می‌شود، کسی نمی‌تواند از قانون فرار کند. در این نوشتار، با استفاده از روایات، روش‌های قضاوت مهدوی در عصر ظهور استخراج شده تا صحت و سقم آن بررسی شود، بلکه در پیشبرد علوم دینی، به خصوص امور قضایی، موثر واقع شود. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، ترکیبی از کتابخانه‌ای، اسناد نوشتاری و نرم افزارهای علمی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی است و روش تجزیه و تحلیل و داده پردازی اطلاعات نیز، ترکیبی از روش توصیفی - تحلیلی است.

گردآوری روایات در مورد موضوعات مربوط به امام مهدی علیه‌السلام همیشه مورد توجه بوده است. روایات قضاوت حضرت نیز، از این قاعده خارج نیست. پیشینه تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مذکور به شرح ذیل قابل ذکر است:

در کتاب‌های حدیثی که به موضوع امام زمان علیه‌السلام پرداخته شده است، معمولاً روایات قضاوت و سیره قضایی آن حضرت به‌صورت پراکنده آمده‌اند؛ غیر از دو کتاب متقدم حدیثی ذیل که مؤلفان آن‌ها یک باب را به این موضوع اختصاص داده‌اند:

۱. بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام اثر مرحوم صفار (۲۹۰ق)، ص ۲۵۸-۲۵۹ «باب

فی الأئمة من آل محمد : أنهم إذا ظهوروا و حکموا بحکومة آل داود»؛

۲. الکافی، اثر مرحوم کلینی (۳۲۹ق)، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۸ «باب فی الائمه: انهم اذا ظهر امرهم حکموا بحکم داود و آل داود و لا یسالون البینه».

سایر کتاب‌های حدیثی که روایات قضاوت امام مهدی علیه السلام را به صورت پراکنده گزارش کرده‌اند، عبارتند از:

۱. الغیبه، اثر نعمانی (۳۶۰ق)، ص ۲۳۳ - ۲۳۷ و ص ۲۵۳ و ص ۳۱۹؛
۲. شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، اثر ابن حیون (۳۶۳ق)، ج ۲، ص ۳۰۸؛
۳. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، اثر خزاز رازی (قرن ۴)، ص ۴۳ و ۸۲؛
۴. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، اثر شیخ مفید (۴۱۳ق)، ج ۲، ص ۳۸۴ - ۳۸۶؛
۵. الغیبه، اثر شیخ طوسی (۴۶۰ق)، ص ۴۷۴؛
۶. الخرائج و الجرائح، اثر راوندی (۵۷۳ق)؛ ج ۱، ۲۹۱ و ج ۲، ص ۸۶۰ و ۹۳۷؛
۷. سرور فی علامات ظهور صاحب الزمان علیه السلام، اثر نیلی نجفی (۸۰۳ق)، ص ۱۰۷؛

ناگفته نماند که این منابع حدیثی، صرفاً به نقل روایات (معتبر و غیر معتبر) پرداخته و از طرح موضوعات اضافه اجتناب ورزیده‌اند. سایر نگاشته‌ها که به این موضوع ورود کرده و به تحلیل، تاویل و دفاع از روایات و یا چگونگی اجرای قضاوت حضرت علیه السلام پرداخته‌اند؛ عبارتند از:

۱. الفوائد البهیة فی شرح العقائد الامامیه، اثر محمد جمیل حمود، ج ۲، ص ۲۴۵؛
 ۲. اثبات الوصیه، اثر علی بن حسین مسعودی (۳۴۶ق)، ص ۷۰؛
 ۳. إعلام الوری بأعلام الهدی، اثر فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق)، ج ۲، ص ۳۱۰؛
 ۴. لوامع صاحبقرانی، مشهور به شرح فقیه، اثر محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ق)، ج ۶، ص ۲۰۹ و ج ۸، ص ۷۲۴؛
 ۵. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، اثر محمد باقر مجلسی (۱۱۰ق)، ج ۳، ص ۱۸۴ و ج ۴، ص ۲۹۸؛
- در بین آثار متأخران نیز - از نزدیک‌ترین آن‌ها به موضوع مورد بحث - می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. العبقری الحسان، اثر علی اکبر نهبوندی (۱۳۶۹ق)، ج ۲، ص ۱۰۹؛
۲. دولت کریمه امام زمان علیه السلام اثر سید مرتضی مجتهدی سیستانی (۱۳۷۲ش/۱۴۱۴ق)، ص ۴۶ - ۷۱؛
۳. تاریخ الغیبه الصغری، اثر شهید سید محمد صدر (۱۴۱۹ق)، ج ۳، ص ۵۱۳ و ۵۷۲؛

۴. نشانه‌هایی از دولت موعود، اثر نجم الدین طیبی، ص ۲۴۵؛

۵. آینده جهان، اثر رحیم کارگر، ص ۳۰۰.

با مراجعه به آثار مذکور، می‌توان گفت که این کتاب‌ها، روایات را (البته نه به صورت کامل و نیز بدون بررسی مصدري و سندی کامل) آورده‌اند و صرفاً به امکان اجرای چنین قضاوتی و ذکر دلایل اجرا یا عدم اجرای آن پرداخته و یا به دفاع از آن در برابر مخالفان اقدام کرده‌اند. علاوه بر کتاب‌های یاد شده، مقالات و پایان‌نامه‌هایی به این قضیه پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه:

۱. مقاله «دفاع از روایات مهدویت ۲؛ داوری بر پایه واقع = داوری داوودی»، اثر مهدی حسینیان قمی، فصلنامه انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۸۴، ص ۲۲۷. نویسنده درصدد پاسخگویی به اشکالات روایات حکم داوودی از سوی مستشکل خاص است؛

۲. مقاله «امام مهدی احیاگر شریعت»، اثر نصرت الله آیتی، فصلنامه مشرق موعود، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶؛

۳. مقاله «سیره مهدوی و دولت منتظر»، اثر رضا اسفندیاری، فصلنامه مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۸.

نگاشته‌های ذیل نیز به بررسی سیره امام مهدی علیه السلام و تفاوت آن با سائر ائمه اشاره کرده‌اند:

۱. مقاله «تحلیل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی بر اساس باطن موضوع»، نوشته محمد زارعی و عبدالحسین خسروپناه، فصلنامه انتظار موعود، سال شانزدهم، شماره ۵۲، بهار ۹۵، ص ۲۱؛

۲. پایان‌نامه «بررسی تحلیلی احادیث مربوط به حکم امام زمان به باطن و رابطه آن با عدالت گستری آن حضرت»، نوشته محمد زارعی، دانشگاه معارف اسلامی. نویسنده علاوه بر بررسی روایات، درصدد ارتباط‌گیری حکم به باطن و عدالت گستری جهانی حضرت علیه السلام است.

تمامی آثار مذکور، به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند؛ اما امتیاز خاص نگاشته پیش رو نگرش مستقل، فراگیر و جامع به موضوع است؛ بدین صورت که موضوع از زوایای مختلف (مصدري، سندی، دلالی، فهرستی و ...) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، نگاشته‌ای که به طور کامل به بررسی شبهات وارد شده (از اهل سنت و مستشرقان) و نیز بررسی اقوال مخالفان و موافقان (از محدثان و متکلمان) بپردازد، وجود ندارد. استنباط شاخص‌ها و دستاوردهای قضایی

از روایات، از جمله ویژگی‌های این نگاشته است. همچنین، کم‌تر پژوهشی را می‌بینیم که به طور خاص، این جنبه از فعالیت‌های حضرت را در زمان ظهور، به صورت جزئی بررسی کرده باشد. بنابراین، نوشته پیش‌رو سعی کرده است تا حد امکان به صورت مبسوط به موارد مذکور بپردازد. قبل از ادامه بحث به منظور تبیین هرچه بیش‌تر موضوع، به توضیح لغوی و اصطلاحی واژگان مندرج در پژوهش می‌پردازیم:

۱. قضا

در لغت:

این واژه هم به مد و هم به قصر (قضاء، قضی) تلفظ می‌شود. در لغت تا یازده معنا برای این واژه مطرح شده است، از جمله محکم کردن،^۱ وصیت،^۲ آمدن،^۳ سرنوشت^۴ و حکم؛^۵ که بیش‌تر آن استعمالات قرآنی نیز دارد؛^۶ هرچند مشهورترین آن، همین معنای اخیر می‌باشد.^۷ البته در زبان عربی و به‌ویژه در قرآن مجید، مفهوم قضاوت و داوری با واژه حکم و مشتقات آن بیان می‌شود (از جمله در آیات ۴۸ و ۴۹ سوره مائده و ۲۶ سوره ص)؛ اما در ادبیات فارسی، برای تبیین حکم و داوری از واژه «قضاوت» استفاده می‌شود تا با دیگر معانی یازده‌گانه آن اشتباه نشود. بنابراین، «قضاوت» در زبان فارسی از مصدرهای ساختگی است که به جای «قضاء، قضی» در عربی استعمال می‌شود.^۸ از این رو، این واژه «مشترک لفظی» است؛ اما آیا می‌توان وجه جمعی بین این معانی متصور شد؟

تعداد قابل توجهی از لغویان، معنای جامع آن را «پایان دادن» و برخی «تعیین الزام» و برخی دیگر «اتقان» می‌دانند. البته این منظور از قول زهری، بازگشت همه آن‌ها را به معنای «انقطاع و اتمام امور»^۹ می‌داند. شیخ مرتضی انصاری نیز معتقد است بازگشت همه این معانی به «اتمام

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

۲. فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۱۸۵ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

۳. فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۱۸۵.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۵. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۹۹ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۶. ر.ک: غافر: ۲۰؛ سبا: ۱۴؛ یوسف: ۶۸؛ اسراء: ۲۳ و ...

۷. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۷-۸.

۸. فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۶۸۶.

۹. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

الشیء والفراغ منه» بر می‌گردد.^۱ در هر حال، می‌توان معنای آن را این گونه تعریف کرد: «حکم کردن، یعنی حل و فصل امور و پایان دادن منازعات».

در اصطلاح:

برای شناخت دقیق این واژه و ارائه تعریفی جامع از آن، ابتدا این لغت را از منظر قرآن کریم بررسی می‌کنیم: این لفظ به چندین معنا در قرآن به کار رفته است که به نوعی در معنای جامع لغوی آن، یعنی «فیصله دادن و تمام کردن» آمده است.^۲ در وهله بعدی و با نگاه به روایات، کلمه «قضاء» به معنای «حکم کردن» آمده که ارتباط این معنا با معنای لغوی آن یعنی «انتهاء» (به معنای پایان رساندن یک امر) اینگونه است که چون موجب به پایان رساندن دعوا می‌شود، در این معنا به کار رفته است.

در وهله آخر و با نگاه فقهی، تعاریف خاص و گوناگونی ارائه شده است. به اعتقاد شهید اول، «قضاء» عبارت است از: «ولایت شرعی از سوی امام بر داوری و حکم کردن در مصالح عمومی».^۳ مرحوم سید کاظم طباطبایی نیز در تکمله عروه الوثقی در تعریف «القضاء» می‌فرماید: «رفع و حل و فصل خصومت بین مردم و داوری بین آن‌ها، هنگام نزاع و مشاجره».^۴ صاحب جواهر پس از ذکر ده معنا برای واژه قضاء، تعریف عرفی قضاء را این گونه بیان می‌کند: «قضا عرفاً ولایت بر حکم شرعی است، برای کسی که اهلیت فتوا به جزئیات قوانین شرعی را داشته باشد...».^۵ با توجه به مطالب مذکور و از آن جا که بیش‌تر فقها این لفظ را در مشهورترین معنای آن که همان «حکم» می‌باشد، از باب اطلاق کلی بر فرد، استعمال و از معنای عام به معنای خاص نقل کرده‌اند؛ معنای اصطلاحی قضا با معنای لغوی آن متحد می‌باشد.^۶ بنابراین، قضاوت و داوری برای برطرف کردن خصومت‌های مردم است؛ بدان گونه که دعاوی آنان نسبت به یکدیگر حل و فصل و مشاجرات و کشمکش‌های ایشان قطع گردد.^۷ در این صورت، هدف اصلی از آن،

۱. انصاری، القضاء و الشهادات، ص ۲۵.

۲. رک: ۱. اراده (رک: بقره: ۱۱۷ و یس: ۸۲)؛ ۲. حکم و الزام (اسراء: ۲۳)؛ ۳. اعلام و خبر دادن (اسراء: ۴ و حجر: ۶۶)

۴. تمام کردن (احزاب: ۳۷ و بقره: ۲۰۰)؛ ۵. حل و فصل (طه: ۷۲ و قصص: ۲۹).

۳. شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۶۵.

۴. طباطبائی، تکمله العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲.

۵. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۸.

۶. سنگلجی، قضاء در اسلام، ص ۹.

۷. ابن خلدون، تاریخ، ج ۱، ص ۲۷۵.

گسترش عدل، احقاق حق و رفع تجاوز است. از این رو و طبق معنای عام آن، یعنی داوری در دعاوی و اختلافات که لازمه اداره امور است؛ هر زمامدار و مدیری پیوسته در معرض قضاوت و دادرسی است.

براساس آنچه گفته شد، تا حدودی مشخص گردید که «حکم» و «قضاء» از نظر معنایی دارای تشابه و حتی تداخل هستند؛ بدین صورت که از تناسب معنای امر و نهی در حکم، اطلاق آن بر داوری و قضاوت نیز مشخص می‌شود؛^۱ البته با دقت و امعان نظر، تفاوت جزئی بین این دو واژه را متوجه می‌شویم. به همین مطلب، تاخیر مکانی واژه «حکم» در آیه «**یقضی بینهم بحکمه**»^۲ نیز اشاره دارد. آن تفاوت، این است که برخلاف حکم، در قضاء و داوری، الزام وجود دارد؛^۳ هرچند مراد از الزام در این بحث، اجرایی و قانونی است و نه شرعی.

در نتیجه در دولت حضرت مهدی علیه السلام قضاوت و دادگری جایگاه ویژه ای خواهد داشت و مردم با قضاوت و حکمی بی نظیر و آرمانی رو به رو خواهند شد. براساس روایات، به ترتیب، حضرت مهدی علیه السلام سپس حضرت عیسی علیه السلام و پس از او، قاضیان و عالمان، قضاوت و داوری را به دست خواهند گرفت:

الف) حضرت مهدی علیه السلام

در عصر عدل و فضیلت‌ها، خود حضرت مهدی علیه السلام امر قضاوت را برعهده خواهد گرفت و قضاوتی بی نظیر، عادلانه و عالمانه از خود نشان خواهد داد. ابان می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام چنین شنیدم: «دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از تبار من قیام کند و در حکومت خود به حکم آل داوود حکم کند. از کسی مطالبه بینه و شاهد، مطالبه نکند و هر کس را به حکم واقعی او محکوم کند.»^۴ نیز می‌فرماید: «وقتی که قائم قیام کند، داوری را براساس عدالت قرار می‌دهد، ظلم و جور در زمان او برچیده می‌شود و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد و زمین برکاتش را خارج می‌کند و حق هر کس را به او برمی‌گرداند و در بین مردم همانند داوود و محمد علیه السلام داوری می‌کند...»^۵

۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۶۵.

۲. نمل: ۷۸.

۳. همان.

۴. صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۵۹.

۵. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

ب) حضرت عیسیٰ (علیه السلام)

از جمله افرادی که در عصر ظهور و در حکومت امام زمان (علیه السلام) به داوری بین مردم می پردازد، حضرت عیسیٰ (علیه السلام) است. مسیحیان معتقدند حضرت عیسیٰ (علیه السلام) پس از بازگشت، به داوری بین شریان و نیکان خواهد پرداخت. این مسله در روایات ما نیز به نوعی بیان شده است:

«عیسی بن مریم در میان امت من، داور دادگری خواهد بود، کینه و عداوت را از میان مردم بردارد...»^۱ و نیز: «...در میان شما عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل، نزول می کند.»^۲

ج) صالحان و عالمان

در حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) عده‌ای از زبندگان و دانشمندان فاضل، امر قضاء و داوری را در دست خواهند گرفت و در این راه از عنایات و امدادهای غیبی خداوند بهره خواهند برد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «...عده ای که به همراه قائم (علیه السلام) بیرون می آیند، فرماندهان، قاضیان، حاکمان شرع و فقیهان دین هستند که خداوند با دست قدرت خود به شکم و پشت آنان می کشد، دیگر هیچ حکمی بر آنها دشوار نمی نماید.»^۳

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است:

«... بعد از آن به کوفه بر می گردد و ۳۱۳ مرد را به اطراف و اکناف عالم می فرستد و دست خود را در میان شانها و بر سینه ایشان می کشد. پس آنان از برکت آن، هرگز در مقام حکم کردن و قضاوت در میان مردم عاجز و خسته نمی شوند و هیچ سرزمینی نمی ماند، مگر این که کلمه طیبه لا اله الا الله در آن جا به آواز بلند گفته می شود.»^۴

امام علی (علیه السلام) نیز درباره یاران خاص حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید:

«...آنان [یاران خاص امام] از بسترها و قبایل خود ناپدید و در شب و روز به سوی مکه برده می شوند. این هنگام شنیدن صیحه آسمانی است. آنان، نجباء، قاضیان و حاکمان بر مردم اند.»^۵

۱. سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۵۲: «و یكون عیسی بن مریم فی امتی حکما مقسطا ... ترفع الاشجان و التباض».

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۲: «ینزل فیکم این مریم حکما عدلا ...».

۳. طبری، دلائل الامامة، ص ۵۶۲: «...لکن هذه آتی یخرج الله فیها القائم و هم النجباء و القضاة و الحکام و الفقهاء فی الدین، یمسح الله بطونهم و ظهورهم فلا تشتبه علیهم حکم ...».

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۹.

۵. طبری، دلائل الامامة، ص ۵۵۵: «... من المفقودین عن فرشهم و قبائلهم، السائرین فی لیلهم و نهارهم إلی مکة و ذلك عند استماع الصوت ... و هم النجباء و القضاة و الحکام علی الناس».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «چون قام آل محمد علیهم السلام قیام کند، از پشت کعبه، ۲۷ مرد و امیر می آورد که ۲۵ تن از قوم موسی علیه السلام باشند که حکم به حق کنند و به حق متمایل اند و هفت تن از اصحاب کهف.» و در روایتی از امام صادق علیه السلام از (قضات) به عنوان یاران خاص حضرت نام برده شده است.^۱

ویژگی‌های دادرسی و قضاوت در عصر ظهور

الف) نظام قضایی شایسته سالار

در حکومت امام مهدی علیه السلام با قضات فاسد و جور پیشه، به شدت برخورد می‌شود و این قاضیان برکنار شده و به جای آن‌ها افراد لایق و شایسته گمارده می‌شوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وقتی دولت مهدوی شکل گرفت، قضات سوء و ناشایسته را برکنار می‌کند و افراد فرصت طلب و منفعت طلب جلوگیری می‌کند و فرماندهان ظالم و ستم پیشه را برکنار و زمین از وجود افراد خیانت کار تطهیر می‌کند.»^۲

نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می‌آورد: پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت می‌کنند... و هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مومن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه و مالک اشتر.»^۳ همچنین ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسد: آیا جز این گروه (۳۱۳) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود: «آری، مومنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها نخبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که حضرت بر سینه و پشت سرشان دست می‌گذارد و مسح می‌کند و هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود.»^۴

ب) قضاوت بدون شاهد

بر اساس برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام در قضاوت خود از کسی بینه و شاهد نمی‌خواهد، بلکه مثل حضرت داوود علیه السلام بدون بینه و شهود، قضاوت خواهد کرد. در این زمینه حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ۵۵۵.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰: «... لینزعن عنکم قضاة السوء ولیقبضن عنکم المراضین ولیعزلن علیکم امرا الجور ولیطهرن الارض من کل غاش».

۳. طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴.

۴. طبری، دلائل الامامة، ص ۵۶۲.

«هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، در میان مردم مانند حضرت داوود علیه السلام داوری خواهد کرد و به شاهد احتیاج ندارد، بلکه خداوند به او الهام می‌کند و بر اساس علم خود قضاوت می‌کند.»^۱ ابان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام چنین شنیدم: «دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از ما اهل بیت خروج کند که حکم می‌کند به حکم داوود و آل داوود علیهم السلام و از مردم بینه و شاهد مطالبه نمی‌کند.»^۲

البته امام علیهم السلام می‌تواند بر اساس علم خود حکم کند؛ همان طور که به ظاهر شهادت‌ها می‌تواند چنین کند و هرگاه شهادت را باطل ببیند، طبق علم خود حکم خواهد کرد.

ج) توسعه اطلاعات در دولت مهدوی

بر اساس روایات، در عصر ظهور، علم و دانش توسعه می‌یابد. بنابراین، قضات می‌توانند بر اساس علم خود، حق و باطل را تشخیص دهند و با ابزار و امکاناتی که در اختیار دارند، جرم و مجرم را کشف و شناسایی و مجازات تعیین کنند. امام باقر علیه السلام درباره اطلاعات در روزگار حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«آن حضرت بدین سبب مهدی نامیده شده است که به امور خفی هدایت می‌شود تا جایی که افراد را اعزام می‌دارد تا شخصی را که مردم او را مجرم و منحرف و بزهکار نمی‌دانند، به قتل برساند. میزان آگاهی حضرت از مردم به اندازه‌ای است که اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بیم آن دارد که مبادا دیوارهای خانه اش گزارش دهند.»^۳

این روایت به گسترش ابزار اطلاعاتی در عصر ظهور اشاره دارد که بر اساس سیستم پیچیده و پیشرفته اطلاعاتی، هیچ مجرمی در امنیت نیست. سیستم کشف، تعقیب، کیفر و مجازات در حکومت مهدوی بر مقوله عدل استوار است. پس یکی از ابزار برقراری امنیت عمومی، گسترش علم و آگاهی است.^۴

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷: «لن تذهب الدنيا حتى يخرج رجل منا اهل البيت يحكم بحکم داود و آل داود لايسال الناس بينة...».

۳. گروهی از نویسندگان، موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۳۳۶.

۴. مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۴، ص: ۲۲۰.

نتیجه گیری

دولت مهدوی آخرین دولت و نسخه تمام و کمال تربیت و فضیلت انسانی است و انسان‌ها در دولت مهدوی ظرفیت پذیرش داوری بدون شهود و داوری بر اساس علم امام را دارند و دنبال بهانه‌گیری و مستندات پرونده نمی‌گردند. گرچه این‌گونه افراد در صدر اسلام نیز حضور داشتند که البته در آن زمان، در اقلیت بودند. اما در دولت مهدوی، اکثر افراد جامعه این‌گونه هستند. بنابراین، حضرت بر اساس علم و آگاهی، بدون احتیاج به شهود و قسم به دادرسی می‌پردازد و با نظام کثرت‌گرای قضایی، بین اهل هر مسلک و دین به کتاب خودشان قضاوت می‌کند. از روایات به دست می‌آید که -به ترتیب- خود حضرت مهدی علیه السلام، سپس حضرت عیسی علیه السلام و پس از او، قاضیان و عالمان، امر قضاوت و داوری را در دست خواهند گرفت. «نظام قضایی شایسته سالار»، «قضاوت بدون شاهد»، «توسعه اطلاعات در دولت مهدوی»؛ از جمله ویژگی‌های دادرسی و قضاوت در عصر ظهور است که در مورد آن‌ها توضیحی ارائه شد. نیز توضیح آن گذشت که حکم بدون رجوع به شاهد و یمین و بر اساس علم الهی، تبعیت از آن آیین خاصی نیست، بلکه خواست خداوند است، لذا قضاوت حضرت مهدی علیه السلام بر اساس سنت سنت جاری اسلام می‌باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ (العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و البربر)*، دار الفکر، چاپ دوم بیروت، بی تا.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، قم ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۴. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة (علیهم السلام)*، تعلیقه: هاشم رسولی محلاتی، نشر بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۵. اصفهانی، راغب، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، انتشارات دار الکاتب، بی جا، بی تا.
۶. انصاری، مرتضی، *القضاء و الشهادات*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، قم، ۱۴۱۵ ق.
۷. سنگلجی، محمد، *قضا در اسلام*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۶ .
۸. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)*، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ ق.
۹. طاهری حبیب الله، *سیره قضایی حضرت مهدی (علیه السلام)*، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۰، سال سوم، زمستان ۱۳۸۲.
۱۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *تکملة العروة الوثقی*، کتابفروشی داوری، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر، *دلائل الامامه*، بعثت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. عاملی، شمس الدین محمد بن مکی، *الدروس الشرعية فی فقه الامامیه*، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، المطبعة العلمیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. فضل بن حسن طبرسی، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۱۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودّة لدوی القربی*، شریف رضی، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۵.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار

الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۷ق.

۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. مفید، محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. _____، المسائل العکبریة، محقق / مصحح: کنگره شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۲۲. موسسه آینده روشن، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، جامعه المصطفی العالمیة، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
۲۳. موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۸ق.
۲۴. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، ۱۴۰۴ ق.